

# اغتشاش سیستمی

## در بانکداری ایران



مصطفی دپلمی پور

عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

عضو انجمن حسابداران رسمی آمریکا

### یکم: کلیات

حافظ! نه حد ماست چنین لاف‌ها زدن  
پا از گلیم خویش چرا پیش‌تر کشیم؟  
بی‌پرده باید گفت تنها وجه اشتراک بنگاه‌هایی  
که به نام بانک یا صندوق‌های قرض‌الحسنه در  
ایران فعالیت می‌کنند با بانکداری متداول در سایر  
کشورها عبارت از رابطه‌ی اصل مبلغ ضرب‌در  
مدت ضرب‌در نرخ برای محاسبه‌ی سود یا بهره  
است؛ حال هر چه که آن را بنامند. چرا که این  
بنگاه‌ها فارغ از اسم و رسم و مناسبات ظاهریشان  
خوب می‌دانند که وقتی سپرده می‌پذیرند یعنی  
پولی را برای مدتی معین و با نرخ مشخص  
اجاره می‌کنند و وقتی که تسهیلاتی را اعطا  
می‌کنند یعنی پولی را برای مدتی معین و با  
نرخ مشخص اجاره می‌دهند، درست مانند  
اجاره‌ی خانه و ماشین و یا هر چیز دیگر. یعنی  
بها و حق استفاده از پول یا ملک یا ماشین برای  
مدتی معین. این رابطه‌ی بنیادی بانکداری در  
همه جای دنیا است. در تمام دنیا و در بانکداری  
سپرده‌گذار بستانکار بانک است و وام‌گیرنده  
بدهکار، رابطه‌ی هر یک از این گروه‌ها هم با  
بانک از طریق بهره‌ی دریافتی و پرداختی تعریف

می‌شود و ریسک‌های فعالیت بانکداری هم بر  
عهده‌ی بانک است.  
در اوایل دهه‌ی ۶۰ شاید با تفکری  
آرمان‌گرایانه، به دنبال مدینه‌ی فاضله (اتوپایی)،  
قانونی برای عملیات پولی بدون بهره تحت  
عنوان عملیات بانکداری بدون ربا برای گسیختن  
رابطه بین مبلغ، نرخ و مدت برای محاسبه‌ی  
سود، و شاید هم بدون شناخت از سازوکارهای  
سرمایه‌داری مالی تدوین شد و به تصویب  
رسید که امروزه از محتوای خود تهی گردیده  
و به غایت ربوی شده است. صندوق‌های  
قرض‌الحسنه و تعاونی‌هایی که پیش از اجرای  
عملیات بانکی بدون ربا وام‌های کوچک با  
نرخ بهره‌ی حتی صفر می‌دادند، به زودی و  
در برابر چشمان حیرت‌زده‌ی نسل آرمان‌گرای  
انقلاب جای خود را به مؤسسات اعتباری ربوی  
دادند. به رغم تعاریف قانونی، مناسبات برخاسته  
از اجرای این قانون بانکداری به مفهوم جهانی  
آن نیست، فعالیت این بنگاه‌ها دربرگیرنده‌ی  
گونه‌های خاصی از تجارت، صنعت، فعالیت‌های  
مالی شامل بیمه‌گری و صرافی، ساخت‌وساز،  
شرکت‌داری و در یک کلام هر نوع عملیات

تجاری مجاز و به رسمیت و قانونی شناخته شده  
و حتی نشده است.  
امروزه در بانکداری ایران، هر بانکی در  
کنار خود یک شرکت بیمه، یک شرکت  
سرمایه‌گذاری، یک صرافی و تعداد زیادی  
شرکت‌های تأمین سرمایه، واردکننده، ساختمانی،  
تولیدی و غیره دارد که دلیل و انگیزه‌ی تاسیس  
این شرکت‌ها کاملاً مشخص است. این همه  
فعالیت توسط یک بانک در بانکداری امروز  
دنیا پدیده‌ی بی‌بدیلی است. همچنین بانکداری  
امروز ایران در خدمت قشری از جامعه قرار  
گرفته که من آن‌ها را لمپن سرمایه‌دار نام داده‌ام،  
قشری که خود بهتر می‌دانند از چه راه‌هایی پول  
در می‌آورد و ثروت می‌اندوزد و تنها ارزش  
در زندگی را پول می‌داند و بس، و باور دارد  
که به هر قیمتی پول در بیاورد و با بخشی از آن  
پول‌های بادآورده هر کسی را بخرد. قرار گرفتن  
بانکداری در خدمت این قشر نوپا که فاقد هر  
گونه خصیصه‌ی کارآفرینی و میهن‌دوستی  
است به ضرر اقشار میانه و پایین یعنی اکثریت  
جامعه‌ی ایران و مآلاً به زیان اقتصاد و منافع ملی  
ما است.

## دوم: فعالیت‌های ربوی

تعریف کلاسیک، ربا (Usury=Reba) را فعالیت وام دهی پولی غیراخلاقی و فاسدی می‌داند که به نحو غیر منصفانه‌ای وام‌دهنده را ثروتمند می‌کند. بهره می‌تواند از هر نوعی باشد. یک وام زمانی ربوی خوانده می‌شود که نرخ‌های بهره یا سایر عوامل آن بیش از اندازه یا سوءاستفاده‌گرانه و ناسزاوار باشد. علاوه بر دین اسلام، حتی در کشوری مانند ایالات متحد آمریکا نیز، بر اساس قوانین ایالتی حداکثر نرخ بهره تعیین می‌شود که دریافت و پرداخت بیش از آن غیر قانونی به‌شمار می‌آید. دادگاه به قرض‌دهنده‌ای که بیش از حداکثر

در ایران است. شیوه‌ی عمل شرکت‌های حق‌العمل‌کاری یا عاملیت (Factor) دو گونه است: Non-Recourse Factoring و Recourse Factoring. در نوع اول شرکت عامل صورتحساب‌ها یا حساب‌های دریافتی واحدهای تجاری را که سررسید آن‌ها معمولاً بیش از ۹۰ روز نیست خریداری کرده و پول آن را پس از کسر حق‌الزحمه‌ی خود که بین ۱٫۵٪ تا ۵٪ است کسر و یک‌جا و یا در برخی موارد به‌صورت پیش‌پرداخت (تا ۸۵٪ یا ۹۰٪) و ذخیره (باقی‌مانده تا زمان سررسید صورتحساب یا حساب دریافتی) به او می‌پردازد و در سررسید به وصول این حساب‌ها اقدام می‌کند و در



نرخ بهره‌ی قانونی را محاسبه کند، به دلیل نرخ بهره‌ی غیرقانونی، اجازه‌ی شکایت برای دریافت طلبش را نمی‌دهد. حتی در ایالت نیویورک چنان وام‌هایی از ابتدا (ab initio) باطل است. هر چند که نرخ بهره‌ی قانونی به وام‌دهنده، وام‌گیرنده، مبلغ وام و موضوع معامله بستگی دارد، لیکن مثلاً در ایالت کنکیتیکات حداکثر نرخ بهره ۱۲٪ است که به اعتبار تصمیم دادگاه می‌تواند ۸٪ تعیین گردد. استثناً برای وام‌های دانشجویی و خرید اتومبیل هم وجود دارد.

حال بپردازیم به وام روی حساب‌های دریافتی (Accounts Receivable lending) و فروش صورتحساب‌های فروش (Factoring) در کشور ایالات متحد آمریکا که همان تنزیل اسناد و اوراق تجاری یا خرید دین متداول

صورت عدم وصول حساب‌ها را به واحد تجاری برگشت می‌دهد. حق‌الزحمه‌ی این نوع از فعالیت همان بهره‌ی پول پرداختی به واحد تجاری به‌اضافه‌ی هزینه‌های اداری شرکت است؛ چون شرکت خریدار حساب دریافتی هیچ ریسک تجاری به عهده نمی‌گیرد. اما در نوع دوم شرکت حق برگرداندن حساب‌های دریافتی خریداری شده به شرکت را ندارد و در مواردی کار با دردرس و مراقبه همراه می‌شود، از این رو در حق‌الزحمه‌ی این عملیات علاوه بر بهره‌ی پول و هزینه‌های اداری، مبلغی بابت ریسک تجاری، ریسک اعتباری و هزینه‌های احتمالی دادگاهی برای وصول و سوخت حساب دریافتی گنجانده می‌شود. به نظر می‌رسد که خرید دین بر مبنای آیین‌نامه‌ی تنزیل اسناد و اوراق تجاری یا خرید

دین با تفاوت‌های غیر ماهوی مشابه مورد فوق تلقی شود. زیرا در آن روش هم حقیقی بودن دین، مدت کمتر از یک‌سال و نرخ تنزیل مقرر و ملحوظ شده است. ماده‌ی ششم آیین‌نامه‌ی مزبور می‌گوید که بانک‌ها می‌توانند اوراق و اسناد تجاری را به قیمتی کم‌تر از مبلغ اسمی آن‌ها تنزیل کنند.

دو مورد بالا را برای این ذکر کردم که نشان دهم به‌رغم تمام تفاوت‌های تفسیری و شکلی، معاملات ربوی در کشوری مانند آمریکا نیز غیرقانونی است و همچنین در فضای کسب‌وکار واحدهای تجاری برای تأمین نقدینگی به فروش صورتحساب‌ها و یا حساب‌های دریافتی خود مبادرت می‌کنند.

پیش از پرداختن به مشکلات ساختاری بانکداری در کشورمان در مناسبات بین سپرده‌گذار و بانک لازم می‌دانم اشاره کنم که حوزه‌های فعالیت بانک‌ها در زمینه‌ی تسهیلات اعطایی بانکی موضوع فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا چنان گسترده است که باعث شده که بانک‌ها از اهداف تعیین‌شده‌ی قانونی و بانکداری متداول دور شوند و به جای جذب و تجهیز پس‌اندازهای مردم و راه‌اندازی و تقویت صنعت و تجارت در محدوده‌ی بخش‌های مقرر در اصول قانون اساسی، به فعالیت‌های غیرمرتبط با بانکداری مشغول شوند. رابطه‌ی بین بانک و استفاده‌کننده از تسهیلات یا وام‌گیرنده مقوله‌ی جداگانه‌ای است.

## سوم: مناسبات سپرده‌گذار و بانک

بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها رابطه‌ی وکالت با سپرده‌گذاران پیدا می‌کنند و تعیین حق‌الوکاله‌ی به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری که توسط بانک‌ها دریافت می‌شود به عهده‌ی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. این مناسبات با مفهوم و رابطه‌ی وکالت با مواد مندرج در مباحث اول، دوم و سوم فصل سیزدهم قانون مدنی مطابقت نداشته و با بند سوم ماده‌ی ۶۷۸

می‌شود: حداکثر مبلغ ارائه‌شده قبل از کسر ارزش وثیقه، تشریح وثیقه، اطلاعات در مورد کیفیت دارایی‌های مالی که سررسید نشده و یا کاهش ارزش نیافته‌اند، و اطلاعات در مورد کیفیت اعتباری دارایی‌های مالی که تمدید و تجدید شده‌اند. در مورد دارایی‌های مالی سررسید گذشته و یا کاهش ارزش یافته‌های افشاهای تحلیلی الزامی است. در مورد وثایق و یا افزایش اعتبار ارائه‌ی اطلاعات الزامی است. ریسک نقدینگی، عبارت از ریسک مشکلات در پرداخت تعهدات و بدهی‌های مالی یک واحد تجاری است. افشاهای مرتبط با ریسک نقدینگی شامل تحلیل سررسید بدهی‌های مالی و تشریح روش مدیریت ریسک است.



ریسک بازار، عبارت از ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریان‌ات نقدی ابزار مالی ناشی از تغییرات قیمت‌های بازار است. ریسک بازار منعکس‌کننده‌ی ریسک نرخ بهره، ریسک پول رایج و سایر ریسک‌های قیمت است. افشاهای مرتبط با ریسک بازار عبارتند از: تحلیل حساسیت هر نوع از ریسک‌های بازار که واحد تجاری در معرض آن قرار دارد و در صورتی که تحلیل حساسیت بیانگر ریسک واحد تجاری نباشد، مثل زمانی که تفاوت در ریسک بین طی دوره و آخر سال باشد، اطلاعات اضافی ارائه می‌شود. به‌موجب این استاندارد و در صورت تهیه‌ی تحلیل‌های حساسیت ارزش‌های در خطر به منظورهای مدیریتی که منعکس‌کننده‌ی

تغییرات در حقوق صاحبان سهام را به رسمیت می‌شناسد. این صورت‌های مالی نیز به منظور شفافیت و حفظ حقوق صاحبان سهام می‌بایست با تکیه بر دو رکن ریسک (اعم از گستره و ماهیت) و ارزش‌های منصفانه تهیه و به‌طور کامل افشا شوند. شفافیت نیز حاصل نمی‌شود مگر با صورت‌های مالی تهیه شده با به‌کارگیری درست و کامل استانداردهای حسابداری و گزارش حسابرسی مستقل و گزارش بازرسی قانونی که در ایران وظیفه‌ای توأمان هستند. این جاست که باید از رعایت مصالح واحد تجاری و از رعایت حقوق مساوی سهام‌داران توسط هیأت مدیره با استناد به مفاد اصلاحیه‌ی قانون تجارت و قانون مدنی اطمینان حاصل شود.

الزامات افشاگری صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی مشابه از جمله قیمت‌های منصفانه و ریسک‌های مرتبط با ابزارهای مالی و سایر مطالب مرتبط در استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره‌ی ۳۰ و ۳۲ و در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۷ تشریح شده‌اند. در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۷ سه نوع از ریسک‌های مبتلا به این نوع واحدهای تجاری و این‌گونه ابزارهای مالی بیان و تعریف شده است:

ریسک اعتباری، عبارت از ریسک زبانی است که یکی از طرفین ابزار مالی با عدم ایفای تعهداتش به طرف مقابل وارد نماید. افشاهای مربوط به ریسک اعتباری شامل موارد زیر

که می‌گویند وکالت به موت یا به جنون و کیل یا موکل مرتفع می‌شود مغایر بوده و موجب زیان سپرده‌گذار می‌شد، لذا برای این که با تحقق این امر سود دوره‌ی وقوع فوت یا جنون تا زمان دریافت انحصار وراثت به وراثت سپرده‌گذار تعلق پیدا کند، بحث وصایت بانک در کنار وکالت نیز در قراردادهای سپرده‌گذاری گنجانده شد که این امر نیز با فصل سوم باب اول قسمت چهارم قانون مدنی و ماده‌ی ۸۴۳ که می‌گویند وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست مگر به اجازه‌ی وراثت و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است، مطابقت ندارد. چه‌گونه کسی که ورثه بودن او برای بانک احراز نشده می‌تواند به بانک اجازه‌ی وصایت بر بیش از ثلث ماترک متوفی بدهد و همچنین چه‌گونه است که به جای آن که موکل به وکیل حق‌الوکاله راپردازد و کیل به موکل سود ۱۸ درصدی سالانه تحت عنوان علی‌الحساب می‌دهد ضمن آن که وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را به جا آورد و وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد (ماده‌ی ۶۶۲). آیا سپرده‌گذاران در این قبیل بنگاه‌ها اهلیت انجام و تبادر به فعالیت‌های آن‌ها را دارند؟ ضمن آن که وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد و آن‌چه را که به جای او دریافت کرده است به او رد کند (ماده‌ی ۶۶۸). این مناسبات با قانون مدنی انطباق نداشته و بیان این روابط و مناسبات به زبان حسابداری با استانداردهای حسابداری و به‌ویژه با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در تعارض قرار دارد.

#### چهارم: استانداردهای گزارشگری مالی و صورت‌های مالی بانک‌ها

استانداردهای حسابداری ایران و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی صورت‌های مالی شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت جریان وجوه نقد، صورت سود و زیان جامع، صورت وضعیت مالی واحد تجاری و صورت

درون‌تکایی به بیش از یک عنصر ریسک بازار، از جمله در شرایط ترکیب ریسک بهره و ریسک ارز باشد، به جای تهیه‌ی تحلیل‌های حساسیت جداگانه برای هر نوع از ریسک‌های بازار می‌تواند آن تحلیل را افشا نماید.

سرتاسر استانداردهای اشاره شده در بالا و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۷ مبتنی بر ارزش‌های منصفانه است. تنها مواردی که افشای ارزش‌های منصفانه الزامی نشده، زمانی است که ارزش‌های انتقالی، برآوردی منطقی از ارزش‌های منصفانه‌اند مانند حساب‌های دریافتی و پرداختی تجاری و یا ابزارهای مالی که ارزش منصفانه‌ی آن‌ها را نتوان به‌نحو قابل‌اعتمادی اندازه‌گیری کرد. ارائه‌ی الزامی تمام اطلاعات

صورت‌های مالی نمونه‌ی بانک که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و تجویز گردیده در صفحه‌ی یک خود می‌گوید که براساس استانداردهای حسابداری و مقررات بانک مرکزی تهیه شده است. اگر منظور استانداردهای حسابداری ایران باشد که تا آن‌جا که من اطلاع دارم، سازمان حسابرسی در مورد بانک‌ها استاندارد حسابداری خاصی ترویج نکرده است و اگر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باشد، که بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌بایست آخرین ویرایش تمام استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در تهیه‌ی صورت‌های مالی به کار گرفته شوند. گفته می‌شود که تدوین‌کنندگان صورت‌های



مالی نمونه‌ی بانک باور دارند که در تهیه‌ی آن استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را رعایت کرده‌اند. شاید این باور از آن‌جا ناشی شده باشد که در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی به دو عامل ارزش منصفانه و ریسک پرداخته شده است. به این دو موضوع بعداً خواهیم پرداخت، ولی قبل از آن در سمت چپ ترازنامه‌ی بانک نمونه طبقه‌ای تحت عنوان حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری ایجاد شده است که ترکیب بدهی‌های جاری و بلندمدت است. یادداشت توضیحی شماره ۲۹ بیانگر این موضوع است که در پایان سال تفاوت سود قطعی و علی‌الحساب محاسبه شده و سود پرداختی تعیین شده است، پس این سود

کمی و کیفی در رابطه با حفظ حقوق و منافع عموم و اعتماد سرمایه‌گذاران صورت می‌گیرد. وقتی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۷ در رابطه با افشاهای ترازنامه، ارائه‌ی اطلاعات مربوط به دارایی‌های مالی و غیرمالی ترهین شده را الزامی می‌کند، یعنی می‌خواهد این اطمینان را به‌وجود آورد که وثایق دریافتی از وام‌گیرندگان در صورت عدم ایفای تعهدات آن‌ها قابل فروش و قابل تبدیل به نقد هستند و حاصل فروش آن‌ها کفایت بازپرداخت سپرده‌ی سپرده‌گذاران و بهره‌های آن‌ها را خواهد کرد. حافظ می‌فرماید:

صلاح کار کجا و من خراب کجا؟

بین تفاوت ره، کز کجاست تا به کجا!

پرداختنی ماهیت بدهی جاری را دارد. تجمع این بدهی جاری و بلندمدت برای سپرده‌گذار چه حقی را از دارایی‌های بانک ایجاد می‌کند که تحت طبقه‌ی جداگانه‌ی حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری آورده می‌شود. طبق ماده‌ی چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا و ماده‌ی هشتم آیین‌نامه‌ی فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک‌ها متعهد به استرداد اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری سپرده‌گذارانند، پس این سپرده‌ها بدهی قطعی بانک به سپرده‌گذاران مدت‌دار است که بسته به مدت سپرده‌گذاری در بدهی‌های جاری یا بلندمدت طبقه‌بندی می‌شوند، فارغ از این که نزد شرکت بیمه‌ای آن‌ها را بیمه کرده باشد. از سوی دیگر، در مورد ماده‌ی ۱۰، همان آیین‌نامه می‌گوید به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده از قبل به‌عنوان سود پرداخت نخواهد شد، اما در دنیای واقعی این سود از پیش تحت عنوان علی‌الحساب تعیین و به سپرده‌گذار به صورت قطعی پرداخت می‌شود و بانک یعنی وکیل هم حساب دوره‌ی وکالتش را به موکل نمی‌دهد. این طبقه‌بندی در ترازنامه با تعریف حسابداری از بدهی و با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تعارض دارد. دارندگان ادعا نسبت به دارایی‌های هر واحد تجاری یا بستانکاران هستند یا دارندگان حقوق مالکیت و چون سپرده‌گذاران حقوق مالکیتی نسبت به بانک‌ها ندارند و فقط نسبت به اصل و سود پول‌شان نسبت به بانک مدعی هستند پس باید سپرده‌های آنان بسته به مدت به عنوان جاری یا بلندمدت طبقه‌بندی شوند.

در تحلیل ریسک‌های اعتباری بانک‌ها ارزش منصفانه وثایق نزد بانک بسیار مهم است، زیرا بانک‌ها با دریافت وثایق مناسب برای تسهیلات اعطایی خود حفاظت ایجاد می‌کنند و مصون‌سازی انجام می‌دهند و در صورت عدم ایفای تعهد وام‌گیرنده وثیقه‌های مزبور را با فرض قابلیت فروش به فروش رسانده و حقوق بانک را احقاق می‌کنند. درست است که در یادداشت ۷-۳-۶۳



توضیحی صورت‌های مالی بانک نمونه، نوع و مبلغ وثایق اخذ شده و کفایت وثایق اخذ شده و همچنین ارزش روزآوری شده‌ی وثایق از منظر ریسک اعتباری مورد تحلیل قرار گرفته است، لیکن در جدول ۴-۷-۳-۶۳ مبالغ ذکر شده ارزش تهرینی وثایق براساس گزارش کتبی کارشناس بانک است. نکته‌ی حائز اهمیت این که اگر کارشناس مزبور، کارمند بانک باشد، در صورتی که کار کارشناسی او توسط کارشناسان مستقل مورد تأیید قرار نگیرد، از منظر کنترل‌های داخلی در فرآیند وام‌دهی ضعف و قصور فاحش مدیریت بانک به حساب می‌آید و اگر کارشناسی توسط کارشناس مستقل انجام گرفته باشد، باید دید در این زمینه دستورالعمل حرفه‌ای و آیین رفتار حرفه‌ای خاصی وجود دارد و اگر بر اساس قصور یا اشتباه کارشناس زبانی به بانک وارد شود، کارشناس مربوطه از پوشش بیمه‌ای لازم در مورد مسئولیت حرفه‌ای برای جبران خسارت بانک برخوردار است. به نظر می‌رسد که نظارت بانک مرکزی در مورد کفایت وثایق و ارزش قابل تبدیل به نقد شدن آن‌ها ضروری است. بانک مرکزی چه گونه از ارزش منصفانه اوراق سهام غیر بورسی وثیقه شده نزد بانک‌ها اطمینان حاصل می‌کند و یا اگر املاک و مستغلات و یا کارخانه و تجهیزات نزد بانک وثیقه شده باشند آیا مورد آزمون کاهش ارزش ناشی از شرایط بازار یا اشتباهات کارشناسی اولیه قرار می‌گیرند و این امر احراز می‌شود که این نوع وثایق بازاری برای فروش دارند. اضافه ارزیابی دارایی‌های تهرینی نزد بانک‌ها ریسک اعتباری بانک‌ها را افزایش می‌دهد و از شفافیت صورت‌های مالی آن‌ها می‌کاهد. نتیجه‌ی این اتفاق به افزایش ریسک بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر بر عملیات بانک‌ها و مرجع صدور مجوز فعالیت آن‌ها می‌افزاید. هر چند که بانک‌ها استرداد اصل سپرده‌های سپرده‌گذاران را تعهد و تضمین کرده‌اند، لیکن در صورت ناتوانی در ایفای تعهدات‌شان این بانک مرکزی و مالاً کشور خواهد بود که متضرر خواهد شد و

منافع ملی به خطر خواهد افتاد. پس نظارت بانک مرکزی بر ارزش منصفانه‌ی وثایق و امکان‌پذیری فروش وثایق از اهمیت بالایی برخوردار است. به گفته‌ی رییس سازمان بازرسی کل کشور در مورد یکی از گزارش‌های تحقیق و تفحص مجلس نهم (منتشره در روزنامه‌ی شرق مورخ پنجم مرداد ماه ۱۳۹۵) در مورد تسهیلات بیش از سقف مجاز، تسهیلات بدون ضمانت لازم و مسترد نشده، جعل مهر و امضا و تبانی منجر به ضرر و زیان سهام‌داران و مشتریان بانک ایجاب می‌کند که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به ریشه‌یابی این فساد توجه بیش‌تری مبذول کند. جمع مبالغ اعلام‌شده توسط رییس سازمان بازرسی کل کشور بیش از ۵۰٪

همان استاندارد می‌گوید که افزایش مبلغ دفتری یک دارایی ثابت مشهود در نتیجه‌ی تجدید ارزیابی آن (درآمد غیر عملیاتی تحقق‌نیافته ناشی از تجدید ارزیابی) مستقیماً تحت عنوان مازاد تجدید ارزیابی ثبت و در ترازنامه به عنوان بخشی از حقوق صاحبان سرمایه طبقه‌بندی می‌شود و در صورت سود و زیان جامع انعکاس می‌یابد. علی‌رغم آمره بودن قانون این شیوه‌ی عمل مطابق با استانداردهای حسابداری نیست و به تأیید نهاد تدوین استاندارد نیز نرسیده است. همچنین این تجویز قانونی به سرمایه منظور کردن افزایش ناشی از تجدید ارزیابی‌ها از یک سو سبب متورم شدن دارایی‌های شرکت‌ها شده است، آیا در بازار خریدار و فروشنده مایل و مطلعی حاضر به



سرمایه‌ی ثبت‌شده‌ی بانک مورد بحث ایشان است. به‌طور نمونه یکی از عوامل گسترش این گونه رویدادها به زمان تصویب بند «ب» تبصره‌ی ۷۸ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۰ برمی‌گردد، زیرا قانون مزبور افزایش سرمایه‌ی بنگاه‌های اقتصادی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های آن‌ها را از شمول مالیات معاف کرد، در صورتی که بند ۲۹ استاندارد حسابداری دارایی‌های ثابت می‌گوید پس از شناخت دارایی ثابت مشهود چنانچه ارزش منصفانه به گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد باید آن را به مبلغ تجدید ارزیابی یعنی ارزش منصفانه در تاریخ تجدید ارزیابی پس از کسر استهلاک انباشته و کاهش ارزش انباشته بعد از تجدید ارزیابی ارائه کرد و در بند ۳۹

معامله‌ی حقیقی و در شرایط عادی این دارایی‌ها در ازای مبلغی باشند که آن مبلغ ارزش منصفانه تعریف شده است وجود دارد؟ و از سوی دیگر درآمدهای غیر عملیاتی تحقق‌نیافته ناشی از این تجدید ارزیابی‌ها که توسط سرمایه‌گذاران بالقوه و آتی پرداخت می‌شود.

بند ۳۸ همان استاندارد درباره‌ی مشخصات ارزیابان می‌گوید که ارزیابی دارایی‌ها توسط ارزیابان مستقل و دارای صلاحیت حرفه‌ای انجام شود. با این حال و با توجه به این که معتبر بودن نتایج ارزیابی مد نظر است، چنانچه واحد تجاری ارزیابان باصلاحیتی در استخدام خود داشته باشد، استفاده از این ارزیابان به شرط آن که نتایج کار آن‌ها مورد تأیید ارزیابان مستقل قرار گیرد

بلامانع خواهد بود.

وجود داشته باشد.

در مقاله‌های متعددی خاطرنشان کرده‌ام، به‌رغم در انطباق بودن با استاندارد ۱۱ حسابداری ایران، تجدید ارزیابی دارایی‌ها در غیاب وجدان پولی در کشوری با رتبه یکصدوسی‌ام از نظر عدم شفافیت و فساد با منافع ملی ما منطبق نیست. این تجدید ارزیابی‌ها که منجر به متورم ساختن حساب سرمایه‌ی شرکت‌ها از طریق افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها و برخلاف همان استاندارد حسابداری و بدون پرداخت مالیات صورت می‌گرفت به جذب پول به سیستم بانکی، افزایش نرخ سپرده‌ها و مآلاً تشدید تورم منجر شد. پول‌های جذب‌شده در بانک‌ها به شکل وام‌های کلان در اختیار

### پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مدتی است که بحث می‌کنیم که سازمان حسابرسی هم فاقد استقلال حرفه‌ای است و همراه با وظایف حاکمیتی، تصدی‌گری نیز می‌کند. حال با پدیده‌ی نوینی مواجه هستیم که بانک مرکزی هم در کنار وظایف نظارتی به تدوین استاندارد حسابداری بانک‌ها پرداخته است. برخی در توجیه این اقدام بانک مرکزی به وظایف شورای پول و اعتبار در قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ استناد می‌کنند، قانونی که پیش از قانون تشکیل سازمان حسابرسی و بیش از ده سال قبل از آن



شرکت‌ها و در موارد متعددی بدون ضمانت و وثیقه‌ی باارزش قرار گرفته است. به استناد آمار منتشره توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (بدون امکان راستی‌آزمایی و تصحیح آمار منتشره را نقل می‌کنم) صعود نرخ سود سپرده‌های یکساله از ۱۴٪ در سال ۱۳۸۸ به ۲۴٪ در سال ۱۳۹۲ و رسیدن نرخ تورم از ۱۱٪ در سال ۱۳۸۸ به ۳۶٪ در سال ۱۳۹۲ و رسیدن نقدینگی کشور به ۴۶۰ هزار میلیارد تومان یعنی با میانگین رشد ساده‌ی سالانه‌ی ۷۰ درصدی ناشی از سیاست مورد بحث در بالا در کنار سایر سیاست‌های نادرست پولی، مالی، مالیاتی و حتی اجتماعی و در توضیح مطالب پیش گفته روشن‌تر از آن است که نیاز به کار کارشناسی اقتصادی

تصویب شده بود. یادمان باشد، در آن زمان در ایران نه استاندارد حسابداری و نه نهادی برای تدوین استاندارد حسابداری وجود داشت، در ایران حرفه‌ی حسابداری مدرن با الزامات قانون مالیات‌های سال ۱۳۴۵ و اصلاحیه‌ی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ پا می‌گرفت و شمار اعضای کانون حسابداران رسمی در سال ۱۳۵۷ صرفاً حدود ۱۵۰ نفر بود. ضمن آن که در قانون تشکیل سازمان حسابرسی تدوین استانداردهای گزارشگری مالی بانک‌ها از وظایف آن مستثنا نشده است. از نظر نگارنده تا زمانی که نهاد تدوین استاندارد حسابداری و حسابرسی دیگری معرفی نشده است، استانداردهای ترویج شده توسط سازمان حسابرسی، با تمام ایرادات وارده

به آن‌ها باید مورد عمل قرار گیرد و در مواردی هم که استاندارد وجود ندارد به استناد همان تجویز سازمان حسابرسی از استانداردهای بین‌المللی، به شرط ترجمه و تفسیر درست باید استفاده کرد.

نهایت آن‌که، به گمان اینجانب به دلیل وجود تناقض‌های مفهومی و ساختاری بین عملیات بانکی بدون ربا با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تدوین استاندارد حسابداری برای بانک‌های ایرانی در انطباق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خالی از اشکال نخواهد بود.

وقتی که در مجموعه‌ی نمونه صورت‌های مالی بانکی تدوین شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران «صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری» گنجانده شده و در ترازنامه‌ی بانک طبقه‌ی جدیدی تحت عنوان «حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری» تعبیه شده که هیچ‌کدام از آن‌ها در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود ندارد، چه‌گونه حسابرسان می‌خواهند مبنی بر تهیه این صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای حسابداری اظهار نظر نمایند.

انطباق عملیات بانکی بدون ربا با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی سبب ایجاد پیچیدگی‌های خاصی شده است. سوءاستفاده از این پیچیدگی‌ها به رمزگشایی‌های متعدد از فساد در سیستم بانکی کشور منجر شده است. به‌رغم تلاش قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان عملیات بانکی بدون ربا، وقتی در محتوای عملیاتی که امروز در کشورمان تحت عنوان عملیات بانکی بدون ربا و عقود اسلامی انجام می‌گیرد، غور و دقت شود ماهیت رابطه‌ی اصل مبلغ، نرخ و زمان خود را نشان می‌دهد.

و سخن آخر آن‌که، به قول حافظ:

من این دو حرف نوشتم چنان که غیر ندانست

تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی ■